

منطقه ممنوعه زندگی

آیا شما دوست دارید کسی سرزده و بی خبر، وارد خانه شما بشود؟ ...



آیا شما دوست دارید کسی سرزده و بی خبر، وارد خانه شما بشود؟

شما برای زندگی و خانه خویش، حریمی قابل هستیید و دوست ندارید که آنها نادیده گرفته شود.

پیامبر اکرم(ص) که رفتارش مایه درس و الگو برای همگان است، وقتی به در خانه کسی می آمد، رو به روی در نمی ایستاد، بلکه سمت راست یا چپ فرار می گرفت و می فرمود: ««السلام علیکم «». با این سلام دادن بلند، اجازه ورود می گرفت. زیرا آن روزها هنوز معمول نشده بود که همه در برابر خانه شان پرده بیاویزند. (1).

با ««در زدن «»، اجازه گرفتن ««یا الله گفتن، زنگ زدن، سرفه کردن، پا بر زمین کشیدن یا به هر وسیله بی ممکن باید صاحب خانه یا ساکن اتاق را خبر داد.

با ««در زدن «»، اجازه گرفتن ««یا الله گفتن، زنگ زدن، سرفه کردن، پا بر زمین کشیدن یا به هر وسیله بی ممکن باید صاحب خانه یا ساکن اتاق را خبر داد. اگر اجازه ورود داده شد، وارد می شویم، و گرنه بدون هیچ ناراحتی برمی گردیم. همچنان که اگر ما در شرایط نامساعد بودیم و برای ورود کسی به خانه یا محل کار، تمایل نشان ندادیم، انتظار داریم که نرنجد و این را ««توهین « تلقی نکند.

امام صادق(ع) می فرماید:

برای ورود به خانه ای، اذن گرفتن و اعلام، سه بار است: بار اول، تابشوند. بار دوم برای آنکه خود را جمع و جور کنند. در مرتبه سوم اگر مایل بودند اجازه دهند، والا، اذن نمی دهند و اجازه گیرنده برمی گردد: ««الاستیذان ثلاثة: اولهن یسمعون، والثانية یحذرون و الثالثة ان شأوا اذنوا و ان شأوا لم یفعلوا، فیرجع المستاذن «». (2).

سرزده وارد خانه شدن، حتی خانه بی خود نیز ناپسند است. در آداب سفر آمده است که پیامبر اکرم(ص) نهی کرد که اگر کسی شبانه از مسافرت برگشت، سرزده وارد خانه شود، مگر آنکه قبلا اعلام کند و خبر دهد: ««نهی رسول الله(ص) ان یطرق الرجل اهله لیلا اذا جاء من الغیبة حتی یؤذنه. (3) «».

از زبان قرآن بشنویم که می فرماید:

««ای ایمان آورده ها! به خانه هایی جز خانه خویش وارد نشوید. مگر آنکه قبلا خبر دهید و اذن بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید. این برایتان بهتر است. باشد که پند بگیرید. اگر در خانه، کسی را نیافتید، وارد خانه نشوید تا آنکه به شما اجازه دهند و اگر به شما گفتند: ««برگردید «، شما هم برگردید. این برایتان پاکیزه تر (ورشدهنده تر) است. (4) «».

نگاه

نهاد ««خانواده «، از مقدس ترین نهادهاست. سلامت و استواری آن نیز، مورد توجه اسلام است. نوع برخوردها نسبت به تحکیم رشته های این نهاد، یا گسستن پیوندها بی آن مؤثر است. خانواده و خانه، حد و حریمی دارد که باید رعایت شود و مورد تعدی و ««مرزشکنی « قرار نگیرد. تهاجم و تعدی به این حدود و حقوق، گاهی هم از طریق ««نگاه « است که کنترل آن ضروری است:

در روایات، ««نگاه « همچون تیری مسموم از تیرهای شیطان قلمداد شده است. گاهی ««نگاه «، در پی یک ««نگاه « پدید می آید. و اگر کسی نتواند چشم ها و پلک های خود را تحت اختیار و کنترل داشته باشد، به روزسیاه می نشیند. حیف است که انسان از راه نگاه، جهنمی شود. به فرموده حضرت علی(ع): چشم ها شکارگاه شیطان است: ««العیون مصائد الشیطان. (5) «».

این سخن نیز از حضرت مسیح(ع) است که:

««ایاکم و النظر الی المحذورات فانها بذر الشهوات و نبات الفسق «».

از نگاه به آنچه ««ممنوع « است بپرهیزید، چرا که چنین نگاهی بذر شهوت و رویش فسق و گناه است.

چرا بی اجازه؟

احترام گذاشتن به حقوق فردی، شرط اخوت اسلامی در یک جامعه مکتبی است و پای بندی به این اصول، ضامن تداوم دوستی هاست.

اگر کسی یادداشتی یا نامه ای می نویسد، نباید دزدانه به آن نگاه کرد. اگر دو نفر با هم صحبت خصوصی می کنند، چه حضوری، چه تلفنی، ««گوش ایستادن « و به نجواها گوش کردن و ««استراق سمع « کردن و شنود گذاشتن، جایز نیست.

اگر پاکتی برای شخصی فرستاده می شود و تاکید می کنند که «شخصاً مفتوح فرمایید«، دیگری حق باز کردن و مطالعه آن را ندارد (مگر با اجازه طرف اصلی). اگر گفتند: راضی نیستیم مطالب این دفتر را بخوانی، یا اگر مطلبی و انتقادی و مقاله ای نوشتند و با نوشتن «امضاء محفوظ« گفتند که راضی به افشای نام نیستند، افشای آن خلاف ادب و قانون و وجدان است.

پس، مجموعه آنچه «راز شخصی« و اسرار زندگی خصوصی محسوب می شود، بسیار است. تنها در خانه و اتاق و نامه و راز هم خلاصه نمی شود. ممکن است حتی نوعی از غذا و میوه و خوراکی درخانه و یخچال و ... کسی باشد ولی دوست نداشته باشد دیگران بدانند. یا یک بیماری یا نقص عضو و جسم در کسی باشد که نخواهد دیگری آن را بداند. یا در شرایط بحرانی خاصی قرار داشته باشد که نخواهد مردم بدانند. همه ی اینها در قلمرو «حریم شخصی« است و ورود به آن «اجازه« می خواهد.

در ارتباطات، گاهی با خویشاوندان و دوستان بسیار صمیمی مواجه هستیم، ولی هرگز این «مجوز« ورود به «منطقه ممنوعه« از زندگی شخصی آنان شمرده نمی شود، مگر آنکه «اذن صریح« داشته باشیم. بکوشیم تا در سخن، نگاه، رفتار، معاشرت و ارتباط، از آنچه خارج از قلمرو «اذن« و «اجازه« قرار دارد، وارد نشویم.

پی نوشت ها :

- 1) تفسیر فخر رازی، ج 23، ص 198.
- 2) وسائل الشیعه، ج 14، ص 141.
- 3) مکارم الاخلاق، ص 266.
- 4) نور، آیه 27 و 28.
- 5) غرر الحکم، ج 1، ص 335.
- 6) میزان الحکمه، ج 10، ص 71.

منبع : برگرفته از کتاب " اخلاق معاشرت " نویسنده : علی اکبر مظاهری